



نگاه تحلیلی به مبانی نظری و اخلاقی ژان پل سارتر

مؤلف: دکتر علی عسگری یزدی

دانشیار دانشگاه تهران

سرشناسه: عسگری یزدی، علی، ۱۳۴۳-Asgari Yazdi, Ali

عنوان و نام پدیدآور: نگاه تحلیلی به مبانی نظری و اخلاقی ژان پل سارتر/ علی عسگری یزدی

مشخصات نشر: تهران: میراث فرهیختگان، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۲۴ ص.

شابک: 2-83-8898-600-978: ۲۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۷ - ۱۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵ - ۱۹۸۰ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Sartre, Jean Paul -- Criticism and interpretation

موضوع: سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵ - ۱۹۸۰ م. -- اخلاق

موضوع: Sartre, Jean Paul -- Ethics

موضوع: سارتر، ژان پل، ۱۹۰۵ - ۱۹۸۰ م. -- دیدگاه درباره آفرینش

موضوع: Sartre, Jean Paul -- Views on creation

رده بندی کنگره: B۲۴۳۰ / رده بندی دیو: ۹۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۵۴۵۴۳

نگاه تحلیلی به مبانی نظری و اخلاقی ژان پل سارتر

مؤلف: دکتر علی عسگری یزدی

دانشیار دانشگاه تهران

طراح جلد و صفحه آرا: علی قنبریان (فیاض)

ناشر: میراث فرهیختگان / Miras Farhikhtegan Publications

آماده سازی: مؤسسه فرهنگی هنری «نوین پژوهش فیاض»

Novin Pazhuhesh Fayyaz Art and Cultural Institute

چاپ اول/ تیر ۱۳۹۸ شمسی/ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه/ قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

ارتباط با نویسنده: Asgariyazdi@ut.ac.ir

۹۷۸-۶۰۰-۸۸۹۸-۸۳-۲

978-600-8898-83-2



مؤسسه فرهنگی هنری

۰۲۱۴ ۶۰۱۹۲۸۵
WWW.NOVINPAZHUESH.COM



۰۲۱۴ ۸۵ ۱۹۱ ۸۵
WWW.MIRASFAHRIKHTEGAN.COM



فهرست مطالب

۷	مقدمه مؤلف.....
۱۷	فصل اول: انسان و اکزیستانسیالیسم در نگاه سارتر.....
۱۷	۱.۱. آثار سارتر.....
۲۲	۲.۱. انسان در نگاه سارتر.....
۲۹	ویژگی های انسان در نظر سارتر.....
۳۰	۳.۱. اکزیستانسیالیسم سارتر.....
۳۵	فصل دوم: مفاهیم مهم در اندیشه سارتر.....
۳۵	۱.۲. آزادی.....
۳۷	ارزیابی.....
۴۰	۲.۲. تعهد و مسئولیت.....
۴۳	۳.۲. معنا و پوچی.....
۴۴	عوامل گرایش سارتر به پوچی.....
۴۵	۴.۲. آگاهی، هستی و نیستی.....
۵۰	۵.۲. دلهره و اضطراب.....
۵۳	۶.۲. خدا.....
۵۷	نقد.....
۵۹	۷.۲. دیگری.....
۶۳	۸.۲. ایمان بد (باور نادرست).....
۶۸	۹.۲. مرگ.....
۷۰	۱۰.۲. دیالکتیک و ازخودبیگانگی.....
۷۷	فصل سوم: سارتر و آثار ادبی.....
۸۰	سنجش ها و نقدها.....



۱. مفهوم «خدا» در فلسفه سارتر ۸۰
۲. جهان‌بینی سارتر و جهان‌بینی اسلامی ۸۱
۳. نقدی بر ماهیت «ارزش‌ها» از نظر سارتر ۸۳
۴. نقدی بر مفهوم «ازخودی‌گانگی» ۸۴
۵. ماهیت حکم اخلاقی ۸۵
۶. نقد بر مبنای انگیزه اخلاقی ۸۶
۷. سند استاد مطهری بر مفهوم «آزادی و اختیار و خداوند» در فلسفه سارتر ۸۶
۸. رویکردی انتقادی ۹۰
- فصل چهارم: اخلاق سارتر ۹۹
- ۱.۴. اخلاق سارتر و نسبی‌گرایی ۹۹
- ۲.۴. اخلاق سارتر و اخلاق دینی ... ۱۱۴
- منابع و مآخذ کتاب ۱۱۷
- منابع فارسی ۱۱۷
- منابع انگلیسی ۱۲۲

مقدمه مؤلف

ژان-پل شارل ایمار سارتز^۱ در روز ۲۱ ژوئن ۱۹۰۵ در پاریس به دنیا آمد و ۱۵ آوریل ۱۹۸۰ درگذشت. فیلسوف، اگزیستانسیالیست، رمان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس و منتقد فرانسوی بود. پدرش «ژان باپتیست سارتر» (۱۸۴۷-۱۹۰۶) افسر نیروی دریایی فرانسه بود و مادرش «آنه ماری شوایتزر» (۱۸۸۲-۱۹۶۹) دختر عموی «آلبرت شوایتزر» پزشک معروف، برنده جایزه صلح نوبل است. ژان پل پانزده ماهه بود که پدرش به علت «تب» از دنیا رفت. پس از آن مادرش به خانه پدری بازگشت و ژان پل سارتر تحت سرپرستی پدر بزرگ مادری اش شارل شوایتزر که معلم زبان آلمانی بود بزرگ شد. او نزد پدر بزرگ تنها مرد خانه بسیار عزیز بود. ژان پل تحت نظر او و چند معلم خصوصی دیگر تربیت شد و در خردسالی خواندن و نوشتن فرانسه و آلمانی را فراگرفت. در کودکی چشم راستش دچار آب مروارید شد، به تدریج انحراف به خارج پیدا کرد و قدرت بیناییش را از دست داد. کودکی تزهوش اما گوشه‌گیر بود و سال‌های کودکی را بیش از هر جا میان انبوه کتاب‌ها به خواندن آثار مهم ادبی و تاریخی گذرانده است. دوازده ساله بود که مادرش با یک دوست قدیمی در ژان ازدواج کرد و به شهر «لا روشل» نقل مکان نمود. ازدواج مجدد مادر، موجب شد سارتر از مادرش جدا شود. سارتر در کلماتش از زشتی چهره خود و شباهتش به وزغ و سم‌پنبه نابینا شدن چشم راستش در کودکی اظهار ناراحتی می‌کند. علاوه بر این، از قد کوتاه‌اش به‌دلیل باعث شده بود بچه‌های دیگر او را در بازیهایشان شرکت ندهند سخن می‌گوید.



از دیگر عواملی که در دوران کودکی باعث آزرده‌گی سارتر شد می‌توان به یتیم‌ی، به تعبیر خود او، «شبه حرامزاده» بودنش و همچنین ازدواج مجدد مادرش در هنگامی که او یازده سال داشت اشاره کرد. به‌طور کلی او از دوران کودکی خود راضی نیست و می‌گوید: «من از دوران کودکی‌ام و آنچه از آن باقی مانده است متنفرم.» مواردی از این قبیل می‌تواند یکی دیگر از عوامل بدبین شدن سارتر نسبت به عالم و آدم و از دست رفتن ایمانش در کودکی باشد.^۱

ژان در سال ۱۹۲۰ به مدرسه شبانه‌روزی پاریس رفت. در آنجا با پل نیزان از همکلاسی‌های او آشنا شد که در معرفی ادبیات معاصر به سارتر نقش بسزایی داشت. در سال ۱۹۲۴ به همراه پیران مجله‌ای در دانشسرا منتشر نمود. چهار سال بعد در امتحانات نهایی رشته فلسفه رد می‌شود. دلیل رد شدنش این بود که عقیده داشت «فلسفه فهمیدنی است، نه حفظ کردنی.» سال بعد (۱۹۲۹) در امتحانات نهایی جایگاه نخست نصیب سارتر می‌شود. «سیمون دوبووار» و «ژان ایپولیت» و «پل نیزان» مقام‌های بعدی را کسب می‌کنند. سیمون دوبووار، فیلسوف، نویسنده و فمینیست فرانسوی همراه و همدم مادام‌العمر او بود. آشنایی این دو به سال ۱۹۲۹ و زمان آمادگی دوبووار برای امتحانات فلسفه در سوربن بازمی‌گردد. سیمون دوبووار دختر نازپرورده‌ای که تحت سلطهٔ قراردادهای مذهب کاترینیک بود. بعد از آشنایی با سارتر شدیداً و عمیقاً به او دل بسته می‌شود و تا آخر عمر با او همراه می‌ماند هرچند که این رابطه در سال‌های پایانی عمر سارتر تا حدودی ضعیف می‌شود.

1. Jean-Paul Sartre, The Words, p164.

سارتر تا آخر عمر با سیمون دوبوار ارتباط داشت و تا آخر عمر با هم ازدواج نکردند. سیمون دوبوار دو جنس گرا بود و به دختران جوان تمایل داشت. با مشورت سارتر دختر جوانی مثل ناتالی سوروکین، وندا کساکویکز و بیانکا لمبلین را وارد رابطه‌شان می‌کرد. لذا سارتر همیشه به دلیل زندگی سه‌نفره‌اش مورد انتقاد بود.

سارتر درباره‌ی خود می‌گوید: «من هیچ‌گاه احساس مالکیت نکردم زیرا یا در خانه پدر بزرگ بودم یا در خانه‌ی ناپدری. هیچ‌گاه در خانه‌ی خودم نبودم. نیازهای زندگی‌ام را دیگران رفع می‌کردند ...». بعدها در سراسر زندگی خود چه هنگام تهیدستی، چه هنگامی که از بابت کتاب‌های خود حق تألیف کلانی دریافت می‌کرد هرگز درصدد اندوختن پول برنیامد. «هیچ‌گاه چیزی نداشتم و از ناداری رنج نبردم.» در دامن این زندگی با شیوه‌ی حیات برررواری معلمین از امنیت و تکلیف‌ها و به‌ویژه از حقوق خود آشنایی کامل یافت. انتقاد تند از این شیوه‌ی زندگی را، تا آنجا که مربوط به دوره‌ی کودکی است، در داستان «کودکی یک روس» می‌بینیم و دنباله‌ی آن را در رمان «تهوع» و زندگی‌نامه‌ی کودکی سارتر را در کتاب «کلمات»ش دیده می‌شود.

از هشت سالگی رمان می‌نوشت و در هفده سالگی با نوشتن پل نیران مجله‌ای به راه انداخت با نام «مجله‌ی کوچک بی‌عنوان». در سال ۱۹۱۵ با خواندن کاپیتال و ایدئولوژی آلمانی با اندیشه‌ی مارکس آشنا شد. به سال ۱۹۲۹ پس از پایان تحصیلات در شهر لهاور معلم فلسفه شد. پس از اتمام تحصیلات در دبیرستان‌های «لو آور» و «لیون» به تدریس فلسفه پرداخت. در این زمان بیشتر آثار کافکا و رمان‌های آمریکایی و حتی داستان‌های پلیسی می‌خواند. در ۱۹۳۱ زندگی ادبی و فلسفی‌اش تکوین یافت. زیاد می‌خواند و زیاد می‌نوشت. در بندر لو آور طرح رمان تهوع را ریخت اما پیش از نوشتن آن، رمانی به نام «شکست» و چند اثر تحقیقی نوشت و به ناشران داد که تقریباً همه را غیرقابل چاپ تشخیص دادند.



پس از مدتی تصمیم گرفت که برای کامل شدن تحقیقاتش در زمینه فلسفه پدیدارشناسی هوسرل راهی آلمان شود. با استفاده از یک بورس تحصیلی به آلمان رفت و در برلین به ادامه تحصیل پرداخت. در اینجا بود که آشنایی عمیق‌تری با آثار فیلسوفان بزرگی همچون مارتین هایدگر (فلسفه اصالت وجود یا اگزیستانسیالیسم) و ادموند هوسرل (فلسفه پدیدارشناسی) پیدا کرد. اما پس از مدتی به دلیل عدم تمایل به حکومت آلمان نازی، به پاریس بازگشت و به تدریس فلسفه مشغول شد.

نخستین نمایشنامه او نیز به نام بایونا هیچ‌گاه چاپ نشد. در سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ در برلین به مطالعه فلسفه هوسرل و هایدگر پرداخت و پدیدارشناسی هوسرل نظر او را به خود جلب کرد و چون پدیدارشناسی «انسان که موضوع علم است خود خالق عالم نیز هست» سارتر در صدد برآمد تا علوم انسانی را بر پایه نوی بنا نهد. بدین منظور نخست به بررسی علم انسان خالق عالم پرداخت و نظریه‌های خود را در چند کتاب روانشناسی به نام «تخیل» در سال ۱۹۳۶ و «طرح نظریه‌ای درباره هیجان» در سال ۱۹۳۹ و «امر خیالی» در سال ۱۹۴۰ مطرح کرد و در همان سال دانشنامه دکتری خود را دریافت کرد. در ۱۹۳۸ زمان تهیه را نوشت که با توفیق بزرگی روبه‌رو شد و در این زمان سارتر همکاری با چند مجله را به پذیرفت. در سال ۱۹۳۹ مجموعه داستانهای کوتاه «دیوار» را نوشت که شامل چند داستان به نامهای دیوار، اروسترات، اتاق، کودکی یک رئیس هستند. جنگ دوم جهانی در آن آمد. سارتر به جبهه رفت و اسیر شد و چندین ماه در بند نازیها ماند. در سال ۱۹۴۹ آزاد شد و دوباره به تدریس فلسفه و به نهضت مقاومت پرداخت و با هفته‌نامه ادبیات فرانسه به مدیری آراگون شاعر مشهور و سایر نشریه‌های مخفی فرانسه همکاری کرد.

در سال ۱۹۴۳ که هنوز جنگ باقی بود، نخستین نمایشنامه‌اش را به نام «مگسها» و نخستین کتاب عظیم فلسفی خود را به نام «هستی و نیستی» انتشار داد. در این کتاب ریشه‌های فلسفی اگزیستانس او تشریح شده است. یک سال بعد نمایشنامه «در بسته»

به روی صحنه آمد. سارتر با همکاری سیمون دوبار و موريس مرلوپوتی دو فیلسوف اگزیستانسیالیست دیگر مجله ماهانه «دوران جدید» را بنیان گذاشت. در این مجله سنگین، موضوع های فلسفی، ادبی و سیاسی مورد بحث قرار گرفت. رمون آرون متفکر دیگر فرانسوی نیز همکاری با این مجله را پذیرفت ولی بعدها با گردش تدریجی به راست، از همکاری با دوران جدید منصرف شد. ژان ژنه و بوريس ویان و چند نویسنده مشهور دیگر نیز در مراحل مختلف، همکاری با این مجله را پذیرفتند. در همان سال سارتر معلمی را ترک کرد تا به هیچ وجه وابسته به دولت نباشد و نیز بتواند همه وقت خود را وقف ادبیات و فلسفه کند. در سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ سه جلد از چهار جلد رمان بیوسه به خود را به نام «راه های آزادی» انتشار داد. نام سه جلد انتشار یافته اینهاست: «سن و تل»، «تعلیق»، «دلمرده»؛ اما جلد چهارم منتشر نشد. به سال ۱۹۴۶ نمایشنامه های «سردگن»، «کفن و دفن»، «روسی بزرگوار» و کتاب «اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر» انتشار داد. یک سال بعد سه اثر تحقیقی از او منتشر شد: «ادبیات چیست»، «بودلر»، «انزیشه های درباره یهود».

بودلر، کتابی است تحقیقی درباره شاعر بزرگ فرانسوی که ضمناً معرف دیدگاه روانشناسی سارتر نیز هست. در همین سال جلد اول مجموعه مقاله های او منتشر شد. در این جلد مقاله هایی درباره فاکنر، دوس پاسوس، فرانز کافکا، ژیرودو کامو و دیگران است. در همین سال فیلمنامه «کار از کار گذشت» هم انتشار یافت که بر اساس آن فیلمی نیز تهیه شد. سارتر در سال ۱۹۴۸ به همراهی دوسر از همفکران سیاسی اش «جمعیت دموکراتیک انقلابی» را بنیان گذاشت. اما آثار جنگ سرد، فرانسه را چنان به دو جناح مشخص تقسیم کرده بود که کار این جمعیت نگرفت و منحل شد ولی کتابی از تشکیل دهندگان آن باقی ماند به نام «گفت و گوهایی در باب سیاست».

در همین سال جلد دوم مقاله های او که وقف مسائل ادبی است و همچنین نمایشنامه



«دستهای آلوده» منتشر شد که همه جز خود نویسنده، آن را اثری ضد کمونیستی تلقی کردند لذا سارتر نمایش این اثر را منع کرد. در سال بعد جلد سوم مقاله‌های او منتشر شد. این مقاله‌ها قسمتی دربارهٔ نهضت مقاومت و دوران تسلط آلمانیها بر فرانسه است و قسمتی دربارهٔ سفر او به آمریکا و نیز مقاله‌هایی دربارهٔ شعر شاعران سیاهپوست با عنوان «اورفه سیاه» و مقاله‌هایی دربارهٔ موضوع‌های مختلف هنری. در این سال سارتر دومین فیلمنامه خود به نام «دنده‌های چرخ» را نوشت اما چون این اثر حملهٔ منتقیم به استعمار است هیچ‌کس حاضر نشد آن را به صورت فیلم درآورد تا آنکه به سال ۱۹۶۰ صورت نمایشنامه به روی صحنه تئاتر آمد. در سال ۱۹۵۱ نمایشنامه «شیطان و خدا» را انتشار داد. در همین سال به دنبال انتشار کتاب «انسان طاغی» اثر آلبر کامو و سرانجام انتقادی دربارهٔ این کتاب در مجله «دوران جدید» به قلم فرانسیس ژانسون عضو هیئت نویسندگان آن مجله، رابطه سارتر و کامو تیره شد.

سال ۱۹۵۲ سارتر کتاب «ژنه مقدس، بازیگر شهید» را نشر داد. این اثر چنان‌که از نامش پیداست دربارهٔ ژان ژنه نمایشنامه‌نویس مذهبی فرانسه نسبت به دوران کودکی این نویسنده روا داشته و او را به سوی دزدی و فساد و «تشت و نیز تشریح کوششی که ژنه برای خروج از این مرداب و ورود به دنیای آفرینندگی گریه است.

در ۱۹۵۹ نمایشنامه مشهور «گوشه‌نشینان آلتونا» نشر یافت و در همان سال به صحنه آمد. یک سال بعد سارتر سفری به کوبا و برزیل کرد که «جنگ شکر در کوبا» از خاطرات این سفر است. به سال ۱۹۶۰ دومین کتاب مهم فلسفی سارتر به نام «نقد عقل دیالکتیکی» منتشر شد. دو سال بعد چند متفکر اگزیستانسیالیست و مارکسیست با شرکت سارتر، مجلس بحثی دربارهٔ دیالکتیک تشکیل دادند که حاصل مباحثات آنان به صورت کتاب «مارکسیسم و اگزیستانسیالیسم» منتشر شد. در سال ۱۹۶۴ کتاب «کلمات» که تشریح ادبیانهٔ دوران کودکی سارتر است منتشر شد. این اثر در همین

سال جایزه ادبی نوبل گرفت اما او این جایزه را نپذیرفت و از دلایل آن، مخالفت با بورژوازی را می‌دانند. در این سال سه جلد از مجموعه مقالات او منتشر شد: یکی از این مجموعه‌ها شامل مباحث ادبی است و جلد دیگر آن وقف تشریح و رسوا کردن استعمار و سیاست نواستعماری است. مانند «مقدمه بر کتاب فانون» و مقاله‌هایی درباره لومومبای شهید و جز آن. جلد دیگر این مجموعه درباره مسائل مارکسیستی است که دنباله آن به صورت جلد هفتم مقاله‌ها به سال ۱۹۶۵ منتشر شد.

در همین سال، «نما» (نمات) «زنان تروا» را که اقتباسی از نمایشنامه اورپید بود منتشر کرد که به روی صحنه نیز آمد. در سال ۱۹۶۶ سارتر سفری به ژاپن کرد و سپس سفری به مصر و اسرائیل. به سال ۱۹۶۷، باست دادگاه بین‌المللی ضد جنایات آمریکا در ویتنام را به عهده گرفت و سپس مقاله «کشتار عام» را در مجله خود منتشر کرد و نیز در پاریس مجلس بحثی در این باره تشکیل داد. در همین سال کاسترو از او دعوت کرد تا در کنگره‌ای که در پایتخت کوبا برای بحث درباره مسائل مربوط به فرهنگ تشکیل می‌شد، شرکت کند اما بیماری روماتیسم مانع این سفر شد.^۱

ژان - پل سارتر در روز ۱۵ آوریل ۱۹۸۰ در سن ۷۵ سالگی در بیمارستان بروسه پاریس در پی خیز ریوی از دنیا رفت. او تا پایان عمر یک چهره سرشناس جهانی باقی ماند. خبر درگذشت او به سرعت در سراسر جهان پخش شد و حدود ۵۰ هزار نفر در پاریس در مراسم خاکسپاری‌اش شرکت کردند؛ درحالی که پیش از آن سال از افول سارتر در فرانسه گذشته بود. این مراسم پرجمعیت‌ترین تشییع جنازه یک فیلسوف در قرن بیستم بود. از این نظر می‌توان او را به ولتر، فیلسوف بزرگ عصر روشنگری فرانسه، تشبیه نمود.

خاکستر او در گورستان مون پارناس در حوالی محل زندگی دوران پیری‌اش در

۱. ژان پل سارتر، ادبیات چیست؟، ص ۵-۲۰.



محلّه‌ای از پاریس به خاک سپرده شد. جایی که ۶ سال بعد همسفر زندگی‌اش سیمون دوبووار به همراهش آمد.

﴿وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾^۱

۱۳۹۸/۰۳/۱۵

مصادف با عید سعید فطر

تهران، علی عسگری یزدی

www.ketab.ir